

رویکرد ارتباطات بین فرهنگی و تدوین سیاست خارجی در غرب

روح الله زمانیان

اندیشکده روابط بین الملل: در دهه ۱۹۷۰ رشته علوم ارتباطات به ارتباطات میان فرهنگ‌ها توجه و آن را از حیطه خاص علوم رفتاری خارج کرد. مطالعات ارتباطات بین فرهنگی، در مورد روابط ارگانیک میان ارتباطات و فرهنگ، نه فقط از منظر عناصر رفتاری و بیرونی بلکه با توجه به اجزای شناختی نظیر نظام‌های دریافت و شیوه‌های استدلال نظریه پردازی کرد. این رویکرد مردم را نه فقط به عنوان ساختارهای اقتصادی - اجتماعی و توده‌های منفعل جامعه شناختی بلکه به مثابه نظام‌های فرهنگی مورد توجه قرار می‌دهد. بنابراین می‌تواند شکاف‌های موجود میان ملت‌ها و فرهنگ‌ها را از جنبه درونی هر فرهنگ کشف کند. در واقع ارتباطات بین فرهنگی بیشتر بر ارتباطات فردی، رودر رو و مستقیم متمرکز شده و ارتباطات بین المللی بیشتر با ارتباطات جمعی، یک طرفه و غیر مستقیم سرو کار دارد(۱).

روابط فرهنگی در سه پدیده تاریخی جنگ، مذهب و استعمار ریشه دارد. از جنگ‌های باستانی ایران و یونان و ایران و روم تا جنگ‌های صلیبی و حتی جنگ افغانستان همواره در کشاکش نبرد شمشیرها و ناوشکن‌ها، ارتباطات میان تمدنی رخ نموده است (۲). تلاش میسیونرهای مسیحی به خصوص در آفریقا و آسیا نیز برای غرب تجربیات ارزشمندی را در شناخت ملت‌های دیگر و نحوه برقراری ارتباط با آنان فراهم کرد. مدارس، بیمارستان‌ها و حتی دانشگاه‌هایی تأسیس شد تا میسیونرهای بومی تربیت و استخدام شوند. اگر چه در داخل کشورهای نظیر آمریکا و فرانسه، دولت و کلیسا مستقل از یکدیگر عمل می‌کردند اما میسیونرها معمولاً در مأموریت‌های خارجی با دولت‌های خود کاملاً هماهنگ بوده‌اند؛ آنان اطلاعات ارزشمندی را برای دولت‌ها فراهم کرده و از پشتیبانی کامل هیئت‌های نمایندگی در خارج از کشور برخوردار بوده‌اند. استعمار برای جوامع استعمارگر، شناخت عمیق جوامع شرقی و برای شرقیان انتقال پاره فرهنگ اقشار استعمارگر را موجب شده است. امروز نیز قدرت‌های استعمارگر در اروپا از جمله فرانسه، آلمان و انگلستان بیشترین فعالیت‌های فرهنگی را در مستعمرات پیشین خود دنبال می‌کنند(۳).

چی. ام. مایکل - معاون سابق شورای بریتانیا - روابط فرهنگی را «تشویق روابط مشترک میان نهادهای فرهنگی و آموزشی و افراد که موجب پیوند فکری، هنری و اجتماعی میان ملت‌ها می‌شود» تعریف می‌کند؛ او قائل به لزوم تفکیک میان دو اصطلاح روابط فرهنگی و دیپلماسی فرهنگی است زیرا دیپلماسی فرهنگی را صرفاً «وارد کردن فرهنگ در توافقنامه‌های بین‌المللی و استفاده از فرهنگ برای پشتیبانی مستقیم از دیپلماسی سیاسی و اقتصادی یک کشور» می‌داند (۴). به نظر می‌رسد این تفکیک ضروری است زیرا در دیپلماسی فرهنگی فرایند سیاست‌گذاری و اجرا عمدتاً توسط ارگان‌ها و مؤسسات حکومتی دنبال می‌شود حال آنکه روابط فرهنگی همزمان بوسیله دولت، اشخاص و مؤسسات خصوصی پیگیری می‌شود. به این ترتیب دیپلماسی فرهنگی تن‌ها بخشی از روابط فرهنگی است.

نفوذ و اثر گذاری دو هدف اصلی دیپلماسی فرهنگی است. دیپلماسی فرهنگی - مبتنی بر تجربه فرانسوی‌ها در قرن نوزدهم - در ابتدا به معنای سرمایه‌گذاری برای تأسیس مدارس و مؤسسات فرهنگی در کشورهای مورد نظر بر مبنای اهداف استراتژیک بود. کوالیرو جانشین رئیس شورای بریتانیا در مقاله‌های با عنوان «دیپلماسی فرهنگی: دیپلماسی تأثیر گذاری» آغاز شکل‌گیری دیپلماسی فرهنگی را همراهی گروهی از هنرمندان فرانسوی با هیئت اعزامی دوک لوکزامبورک به دربار پرتغال در برزیل به سال ۱۸۱۶ می‌داند؛ این هنرمندان هدیه رسمی و سفیران فرهنگی فرانسه برای تأسیس یک مدرسه هنرهای زیبا در ریو دوژانیرو بودند سال بعد دو دانشمند زمین‌شناس پروس، هیئت سیاسی کشور خود را در جریان ازدواج شاهزاده پرتغال همراهی کردند تا به مردم و دربار پرتغال جهان جدید را بشناسانند. در واقع دو کشور فرانسه و آلمان همان‌گونه که آغازگران دیپلماسی فرهنگی بودند هنوز هم بیشترین سرمایه‌گذاری ملی را در این راه می‌نمایند. مؤسسه آلیانس فرانسه زیر نفوذ یهودیان از سال ۱۸۸۳ و پس از شکست از پروس کار خود را آغاز کرد. این مؤسسه برای تدریس زبان فرانسه در مستعمرات و بقیه کشورها ایجاد شد. در ۱۹۰۲ مؤسسه لای میسیون برای آموزش غیر مذهبی در ماوراء بحار و در سال ۱۹۱۰ دفتر ملی برای تبادلات مدرس‌های و دانشگاهی و اداره مدارس و مؤسسات فرانسوی خارج از کشور تأسیس شد. پیشتازی فرانسه در نهادهای فرهنگی بین‌المللی باعث شد تا در این زمینه یک مدل فرانسوی شکل بگیرد. این مدل

که شامل آموزش زبان، تعلیم و تربیت، تبادلات علمی و حتی مذهبی می‌شود، توسط بسیاری از کشورها پذیرفته و دنبال شده است.

انگلستان در قرن نوزدهم شاهد بود که دولت فرانسه چگونه برنامه‌هایی از آموزش زبان فرانسه تا هیات‌های باستان‌شناسی خود را در مناطق دارای حساسیت برای انگلستان به منظور منافع سیاسی به کار می‌گیرد. از این رو از سال ۱۹۱۷ انگلیسی‌ها از طریق بخش خصوصی و با کمک اندک دولت کار را آغاز کردند. ابتدا مؤسسه بریتانیایی فلورانس تشکیل شد و بعدها انجمن‌های آنگلو فیل در شهرهای اصلی آمریکای لاتین به وسیله تجار انگلیسی و محلی با تأکید بر آموزش زبان انگلیسی تأسیس شد. رویکرد انگلستان به روابط فرهنگی مشابه فرانسه است. در انگلستان فعالیت‌های فرهنگی بین‌المللی که شامل آموزش زبان، علم، تکنولوژی، هنر، علوم اجتماعی و تلاش برای جذب هرچه بیشتر دانشجویان خارجی به انگلستان است بر عهده مؤسسه‌های نیمه مستقل به نام شورای بریتانیا می‌باشد. این شورا در سال ۱۹۳۴ تأسیس شده است. تاریخچه سال‌های اولیه این مؤسسه که توسط دونالدسون نوشته شده است نشان می‌دهد که شورای بریتانیا در اساس برای پاسخ به تبلیغات کشورهای محور شکل گرفت و برنامه‌های اولیه آن شامل کتابخانه‌ها، سخنرانان میهمان، کرسی‌های دانشگاهی، بورسیه دانشجویان، آموزش زبان، نمایش فیلم و حمایت از هنرمندان بود(۵).

این شورا علاوه بر آموزش بر صنایع فرهنگی انگلستان نیز متمرکز شده است و سعی دارد در فضاهایی مستقل از سفارتخانه‌های انگلستان، خارجی‌ان را نسبت به تولیدات فرهنگی و هنری جدید آگاه و علاقه‌مند کند. این شورا اداره ۲۰ کتابخانه و مرکز اطلاعات و ۱۲۷ برنامه آموزش زبان را در سراسر جهان برعهده دارد. شورای بریتانیا اگر چه از دولت بودجه می‌گیرد ولی دارای هیئت مدیره مستقل است. وهمواره فاصله خود را بادولت حفظ می‌کند. این شورا که در سال مالی ۹۸-۱۹۹۷ بودج‌های معادل ۶۸۰/۹ میلیون دلار داشته است در جریان تجدید سازمان خود بر درآمدزایی و خودگردانی به خصوص در آموزش زبان تأکید داشته است. فعالیت‌های این شورا با اقدامات سازمان خدمات اطلاعاتی بریتانیا که اطلاع رسانی متناسب بااهداف کوتاه مدت سیاست خارجی را بر عهده دارد کاملاً متمایز شده است. در میان سازمان‌های دولتی نیز بخش روابط فرهنگی در وزارت خارجه مسئول هماهنگی اجرایی توافقنامه‌های فرهنگی با کشورهای دیگر است.

آلمان در سال‌های ۱۹۶۰ در زمان حکومت ویلی برانت برنامه‌های فرهنگی بین‌المللی خود را بنیاد گذاشت. او معتقد بود سیاست خارجی آلمان سه پایه دارد؛ سیاسی: پیوند با ناتو، اقتصادی: پیوند با اتحادیه اروپا و فرهنگی: استفاده از مبادلات آموزشی- فرهنگی. دپارتمان فرهنگی بخشی از وزارت خارجه است که بیشترین بودجه را به خود اختصاص می‌دهد. آلمان فقط برای اقدامات فرهنگی در ایالات متحده سالانه ۳۸ میلیون دلار هزینه می‌کند. بیشترین فعالیت‌های فرهنگی بین‌المللی از طریق سازمان‌های نیمه مستقل مانند انستیتو گوته انجام می‌شود این مؤسسه اقداماتی نظیر آموزش زبان، هنر، دوره‌های آموزشی، نمایشگاه‌ها، نمایش فیلم را در کشورهای دیگر ساماندهی می‌کند. مدیریت برنامه‌های مبادلات آموزشی نیز توسط مؤسسه خدمات تبادل علمی (DAAD) انجام می‌شود.

تأکید بر دیپلماسی عمومی در کشوری نوپا مانند کانادا نیز مورد توجه قرار گرفته است؛ کمیته مشترک مجلس سنا و عوام در سال ۱۹۹۴ سیاست خارجی کانادا را مورد بررسی قرار داد. بنا به درخواست این کمیته جان والس‌تون سال، موضوع فرهنگ و سیاست خارجی کانادا را در یک گزارش ۵۶ صفحه‌ای به نقد کشید، بر اساس این گزارش، کمیته از دولت خواست بازسازی نظام تبلیغات خارجی را در دستور کار خود قرار دهد.

آمریکا همان‌الگوی مؤسسه فلورانس و انجمن‌های آنگلو فیل را اقتباس کرده است. مراکز دو ملیتی که با مشارکت اداری و مالی دولت‌ها و شهروندان کشور هدف تشکیل می‌شود از حمایت دولت آمریکا در زمینه خدمات کتابخانه‌های و آموزش زبان استفاده می‌کنند ولی از نظر رسمی کاملاً مستقل و خارج از چارچوب دولتی تعریف می‌شوند. بنا بر این معمولاً از خطر تعطیل شدن در هنگام بحران‌های سیاسی و حتی قطع روابط محفوظ می‌مانند.

منابع

- ۱- Belay, Getinet, "Toward a Paradigm Shift for Intercultural and International Communication" New Research Directions, **Communication Yearbook**, 1991, vol , 16, , pp. 437-453.
- ۲- پیترز، رادولف، **اسلام و استعمار**، مترجم محمد خرقانی، مشهد: آستان قدس، ۱۳۶۵، صص ۶۳-۱۱۸.
- ۳- Braisted, Poul. J, **Cultural Affairs and Foreign Relations**, American Assembly, 1986,p 1-10.
- ۴- Mitchell, J. M () **International Cultural Relations**, London, Allen&Unwin,1986, p 81.
- ۵- Donaldson, Frances(1984)**The British Council: The First Fifty Years**,Butler and Tanner Ltd.

برای تهیه محصولات به فروشگاه اندیشکده مراجعه کنید

www.irthink.com



تلفن مرکز یخش: ۰۹۱۳۵۶۲۵۴۶۳

پست الکترونیکی: irtt.ir@gmail.com

www.irthink.com

